

متن کامل دعای عرفه با ترجمه فارسی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ
الْبِدَائِعِ وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَاعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَايِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ جَازَى كُلَّ صَانِعٍ وَرَائِسِ كُلِّ
قَانِعٍ وَرَاحِمٍ كُلِّ ضَارِعٍ وَمُنْزِلِ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ
وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ،

خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده ای، و برای بخشش بازدارنده ای و همانند ساخته ای ساخته هیچ سازنده ای نیست،
و او سخاوتمند وسعت بخش است، انواع مخلوقات را پدید آورد، و ساخته ها را با حکمتش محکم نمود، طلیعه ها بر او پوشیده
نمی ماند، و ودیعه ها نزد او ضایع نمی شود پاداش دهنده هر سازنده، و بی نیازکننده هر قناعت گر، و رحم کننده بر هر نالان،
و فرو فرستنده سودها، و نازل کننده کتاب جامع با نور درخشان است، او شنونده دعاها، و دورکننده بلاها، و بالا برنده درجات،

////////////////////

وَاللَّجْبَابِرَةَ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ بِالرَّبُّوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّأً بِأَنَّكَ رَبِّي وَ إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ
قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ
وَالسِّنِينَ،

و کوبنده گردن کشان است، پس معبودی جز او نیست، و چیزی با او برابری نمی کند، و چیزی همانندش نیست، و اوست شنوا
و بینا، و لطیف و آگاه، و بر هر چیز تواناست. خدایا به سوی تو رغبت می نمایم، و به پروردگاری تو گواهی می دهم،
اقرارکننده ام که تو پروردگار منی، و بازگشت من به سوی تو است، وجودم را با نعمت آغاز کردی پیش از آنکه موجودی قابل
ذکر باشم، و مرا از خاک پدید آوردی، سپس در میان صلب ها جایم دادی، درحالی که از حوادث زمانه و رفت و آمد روزگار و
سال ها،

////////////////////

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبِ إِلَى رَجِمٍ فِي تَقَادِمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي
وَأُطْفَأَ لِي وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَلِي
مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسِّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَنِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ
خُلُقِي مِنْ مَنِي يُمْنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ،

ایمنی بخشیدی همواره کوچ کننده بودم از صلبی به رحمی، در گذشته از ایام و قرنهای پیشین، از باب رأفت و لطف و احسانی
که به من داشتی، مرا در حکومت پیشوایان کفر، آنان که پیمانانت را شکستند، و پیامبرانت را تکذیب کردند، به دنیا نیاوردی،
ولی زمانی به دنیا آوردی به خاطر آنچه در علمت بر ابرام رقم خورده بود و آن عبارت بود از هدایتی که مرا برای پذیرفتن آن
آماده ساختی، و در عرصه گاهش نشود و نمایم دادی، و پیش از آن هم با رفتار زیباییت، و نعمت های کاملت بر من مهر

ورزیدی، در نتیجه وجودم را پدید آوردی از نطفه ریخته شده و در تاریکی های سه گانه میان گوشت و خون و پوست جایم دادی،

////////////////////

لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً
وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبِناً مَرِيّاً وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي
الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ
حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتَ نَاطِقاً بِالْكَلامِ،

و مرا در آفرینش وجودم گواه نگرفتی، و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار ننمودی، سپس برای آنچه در علمت از هدایتیم گذشته بود مرا کامل میانه به دنیا آوردی، و در حال کودکی و خردسالی در میان گهواره محافظت نمودی، و از بین غذاها شیر گوارا نصیب کردی، و دل دایه ها را بر من مهربان نمودی، و مادران پرمهر را به پرستاری ام گماشتی، و از آسیب های پربان نگهداری فرمودی، و از زیادی و کمی سالم داشتی، پس تو برتری ای مهربان، ای بخشنده، تا آنگاه که آغاز به سخن کردم.

////////////////////

أَثَمْتَّ عَلَيَّ سَوَابِعَ الْأَنْعَامِ وَ رَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ
عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَأَيْقَظْتَنِي لِمَا ذُرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ
بِدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيسَّرْتَ
لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى،

نعمتهای کاملت را بر من تمام کردی، و مرا در هر سال با افزوده شدن به وجودم پرورش دادی، تا آفرینشم کامل شد، و تاب و توانم معتدل گشت، حجت را بر من واجب نمودی، چنان که معرفتت را به من الهام فرمودی و با شگفتی های حکمتت به هراسم افکندی، و به آنچه در آسمان و زمینت از پدیده های خلقت پدید آوردی بیدارم نمودی، به سپاس گذاری و یادت آگاهی ام دادی، و طاعت و عبادتت را بر من واجب نمودی، و آنچه را پیامبران آوردند به من فهماندی، و پذیرفتن خشنودی ات را بر من آسان کردی، و در تمام این امور به یاری و لطفت بر من منت نهادی، سپس وقتی که مرا از بهترین خاک آفریدی،

////////////////////

لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ
عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ الْفَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَثَمْتَّ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي
وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقْرَبُنِي إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ
أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي،

برایم نپسندیدی ای معبود من نعمتی را بدون نعمتی دیگر، و از انواع وسایل زندگی، و اقسام بهره ها نصیب من فرمودی، و این بخاطر نعمت بخشی بزرگ و بزرگتر و احسان دیرینه ات بر من بود، تا جایی که همه نعمتها را بر من کامل نمودی، و تمام بلاها را از من بازگرداندی، نادانی و گستاخی ام بر تو، بازت نداشت، از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می کند راهنمایی

کردی، و به آنچه مرا به پیشگاهت مقرب می نماید توفیق دادی، پس اگر بخوانمت، اجابتی نمایم، و اگر از تو درخواست نمایم، عطایم کنی، و اگر اطاعتت کنم قدردانی فرمایی، و اگر به شکر بر خیزم بر نعمت بیفزایی،

////////////////////

كُلُّ ذَلِكْ اِكْمَالٌ لِاِنْعَمِكَ عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ اِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ وَعَظَمَتْ اَلْاَوْكُ فَاَيُّ نِعْمِكَ يَا اِلٰهِي اُحْصِي عَدَدًا وَذِكْرًا اَمْ اَيُّ عَطَايَاكَ اَفْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُوْنَ اَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُوْنَ ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اَللّٰهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ اَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَاَنَا اَشْهَدُ يَا اِلٰهِي بِحَقِيْقَةِ اِيْمَانِي،

همه اینها کامل کردن نعمت هایت بر من و احسانت به سوی من است، پس منزه می تو، منزه می تو، که آفریننده ای، و بازگرداننده ای، و ستوده ای و بزرگواری، نام هایت مقدس است، و نعمت هایت بزرگ، خدایا کدامیک از نعمت هایت را به شماره آورم و یاد کنم، یا برای کدامیک از عطاها به سپاسگذاری بر خیزم درحالی که پروردگارا، بیش از آن است که شماره گران بر شمارند، یا اینکه یاد دارندگان در دانش به آنها برسند، آنگاه ای خدا، آنچه از بدحالی و پریشانی از من بازگرداندی و دور کردی، از آنچه از سلامتی کامل و خوشحالی برایم نمایان شد، بیشتر است، معبودا، من گواهی می دهم به حقیقت ایمانم،

////////////////////

وَ عَقْدِ عَرَمَاتٍ يَقِيْنِي وَخَالِصِ صَرِيْحِ تَوْحِيْدِي وَبَاطِنِ مَخْتُوْنِ ضَمِيْرِي وَعَلَانِيْ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي وَاسْرَارِيْ صَفْحَةِ جَبِيْنِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيْفِ مَارِنِ عِرْزِيْنِي وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي وَمَا ضَمَمْتُ وَاطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَعْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي،

و باور تصمیمات یقینم، و یکتاپرستی بی شائبه صریح و درون پوشیده نهادم، و آویزه های راه های نور چشمم، و چین های صفحه پریشانی ام، و روزنه های راه های نفسم، و پره های نرمه تیغه بینی ام، و حفره های پرده شنوایی ام، و آنچه که ضمیمه شده و بر آن بر هم نهاده دو لبم، و حرکتهای سخن زبانم، و جای فرو رفتگی سقف دهان و آرواره ام، و محل روییدن دندانهایم،

////////////////////

وَمَنَابِتِ اَضْرَاسِيْ وَمَسَاغِ مَطْعَمِيْ وَمَشْرَبِيْ وَحِمَالَةِ اِمِّ رَاعِْسِيْ وَبُلُوْعِ فَاْرِغِ حَبَائِلِ عُنْقِيْ وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُوْرُ صَدْرِيْ وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِيْنِي وَنِيَاطِ جِجَابِ قَلْبِيْ وَاَعْفَلَاذِ حَوَاشِيْ كَبِدِيْ وَمَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيْفِ اَصْلَاعِيْ وَحِقَاقِ مَفَاصِلِيْ وَقَبْضِ عَوَامِلِيْ وَاَطْرَافِ اَنَامِلِيْ وَلَحْمِيْ وَدَمِيْ وَشَعْرِيْ وَبَشْرِيْ وَعَصْبِيْ وَقَصْبِيْ وَعِظَامِيْ وَمَخَى وَعُرُوْقِيْ وَجَمِيْعِ جَوَارِحِيْ وَمَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكِ اَيَّامِ رِضَاعِيْ وَمَا اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّيْ وَنَوْمِيْ وَيَقْظَتِيْ وَسُكُوْنِيْ وَحَرَكَاتِ رُكُوْعِيْ وَسُجُوْدِيْ،

و جای گواری خوراک و آشامیدنی ام، و بار بر مغز سرم و رسایی رگهایی طولانی گردنم، و آنچه را قفسه سینه ام در بر گرفته، و بندهای پی شاهرگم، و آویخته های پرده دلم، و قطعات کناره های کبدم، و آنچه را در برگرفته غضروف های دنده هایم، و جایگاه های مفاصلم، و پیوستگی پاهایم، و اطراف انگشتانم، و گوشتم، و خونم، و مویم، و پوستم، و عصبم، و نایم، و

استخوانم، و مغزم، و رگهایم و تمام اعضایم، و آنچه در ایام شیرخوارگی بر آنها بافته شد، و آنچه زمین از سنگینی من برداشته، و خوابم و بیداری ام و سکونم، و حرکات رکوع و سجودم،

////////////////////////////////////

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُودَى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَنْطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرِكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَتَنَاءً طَرَفًا عَتِيدًا أَجَلٌ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى أَنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَانْفِهِ مَا حَصْرْنَاكَ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمْدَاهِيهَاتِ إِنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقُ،

خلاصه با تمام این امور گواهی می دهم بر اینکه اگر به حرکت می آمدم و طول روزگاران، و زمانهای بس دراز می کوشیدم، بر فرض که آن همه زمان را عمر می کردم، که شکر یکی از نعمت هایت را بجا آورم نخواهم توانست، جز با منتت که به سبب آن شکر بر من واجب می شود، شکری دایم و نو، و تنایی تازه و فراهم. آری اگر من و همه شمارش گران از آفریدگانت، حرص و رزیم که نهایت نعمت هایت، از نعمت های سابقه دار و بی سابقه ات را برشماریم، هرگز نمی توانیم به شماره آوریم، و نه اندازه آن را حضا کنیم، چه دور است چنین چیزی چگونه ممکن است؟ و حال آنکه تو در کتاب گویایت،

////////////////////////////////////

وَالنَّبَاءِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبَأُوكَ وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَاؤَكَ وَرَسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُودِكَ وَوَعْدِكَ وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوروثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ،

و خبر صادقانه ات اعلام کرده ای: اگر نعمتهای خدا را برشمارید، قدرت شمارش آن را ندارید. خدایا کتابت راست گفته، و اخبارت صادقانه است، و پیامبرانت و رسولانت به مردم رساندند، آنچه را از وحیت بر آنان نازل کردی. و برای آنان و به وسیله آنان از دینت شریعت ساختی، معبودا من گواهی میدهم به تلاش و کوششم، و به قدر رسایی طاعت و ظرفیت، و از باب ایمان و یقین میگویم: سپاس خدای را که فرزندی نگرفته، تا از او ارث برند، و برای او در فرمانروایی اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند،

////////////////////////////////////

وَلَا وَلِيٍّ مِنَ الدُّنْيَا فَيُزِفِدَهُ فِيمَا صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَقَطَّرَتَا سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّمَ

و سرپرستی از خواری برایش نبوده، تا او را در آنچه ساخته یاری دهد، پس منزه است او، منزه است او، اگر در آسمان و زمین معبودهایی جز خدا بود، هر آینه هر دو تباه می شدند و متلاشی میگشتند، منزه است خدای یگانه یکتا، و بی نیاز، که

نزاده، و زاده نشده و احدی همتایش نبوده است. سپاس خدای را، سپاسی که برابری کند با سپاس فرشتگان مقرب، و انبیای مرسلش را، و درود و سلام خدا بر بهترین برگزیده از خلقش محمد خاتم پیامبران، و اهل بیت پاک و پاکیزه و ناب گشته او باد.

////////////////////

آنگاه آن حضرت، شروع به درخواست از خدا کرد، و در دعا اهتمام ورزید، و درحالی که اشک از دیده های مبارکش جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَانِي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَخْسَأْ شَيْطَانِي وَفُكَّ رَهَانِي،

خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را میبینم، و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان، و به نافرمانی ات بدبختم مکن، و خیر در قضایات را برایم اختیار کن، و به من در تقدیرت برکت ده، تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم، و تأخیر آنچه را تو پیش انداختی میل نکنم. خدایا قرار ده، بی نیازی را در ذاتم، و یقین را در دلم، و اخلاص را در عملم، و نور را در دیده ام، و بصیرت را در دینم و مرا به اعضايم بهره مند کن، و گوش و چشم را دو وارث من گردان، و مرا بر آن که به من ستم روا داشته پیروز فرما، و در رابطه با او انتقام و هدم را نشانم ده، و چشم را بدین سبب روشن گردان. خدایا گرفتاری ام را برطرف کن، و زشتی ام را بپوشان، و خطایم را ببامرز و شیطانم را بران و دینم را ادا کن،

////////////////////

وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَجْرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي،

و برایم معبودا در آخرت و دنیا درجه ای برتر قرار ده، خدایا تو را سپاس، مرا آفریدی، و شنوا و بینا قرار دادی، و تو را سپاس که مرا پدید آوردی، و از روی رحمت، آفریده ای متناسب قرار دادی، درحالیکه از آفرینش من بینیا بودی، پروردگارا به اینکه مرا پدید آوردی. پس در خلقتم تناسب نهادی، پروردگارا به اینکه آفرینشم را آغاز نمودی، و صورتم را نیکو نمودی، پروردگارا به اینکه به من احسان کردی و در خویشتم عافیت نهادی، پروردگارا به اینکه محافظتم نمودی و مؤفقم داشتی، پروردگارا به اینکه بر من نعمت بخشیدی و راهنمایی ام نمودی، پروردگارا به اینکه سزاوار احسانم کردی، و از هر خیری عطایم کردی، پروردگارا به اینکه مرا خوراندی و نوشاندی، پروردگارا به اینکه بی نیازم ساختی و اندوخته ام بخشیدی، پروردگارا به اینکه یاریام نمودی و عزتم بخشیدی،

////////////////////

رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى
بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الأَخْرِهُوَ أَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ
الظَّالِمُونَ فِي الأَرْضِ اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي وَمَا أَخْذُرُ فَعِنِّي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي
فَأَحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَأَخْلُقْنِي وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي
وَمِنْ شَرِّ الأَنْجِنِ وَالْأَنْسِ فَسَلِّمْنِي وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسِرِّي فَلَا تُخْرِزْنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَنِعْمَكَ
فَلَا تَسْتَلْبِنِي وَآلِي غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي.

الهی الی من تکلنی؟

پروردگارا به اینکه به من پوشاندی، از پوشش با صفایت و بر من آسان نمودی، از رفتار کفایت کننده ات، بر محمد و خاندان
محمد درود فرست و مرا بر بلاهای روزگار، و حوادث شب ها و روزها یاری ده، و از هراس های دنیا، و گرفتاری های
آخرت نجات ده، و مرا از شر آنچه ستمگران در زمین انجام می دهند کفایت کن، خدایا از آنچه می ترسم مرا بس باش و از آنچه
حذر می کنم نگهداری کن، و در نفسم و دینم از من نگهداری فرما و مرا در سفرم نگهدار، و در خاندان و مالم جانشین باش، و
مرا در آنچه نصیبم فرمودی برکت ده، و در نزد خویش خوارم ساز، و در دیدگان مردم بزرگم کن، و از شر جن و انس سالمم
بدار و به گناهانم رسوایم مساز، و به باطنم سبکم منما، و به عملم دچارم مکن، و مرا از نعمتایت محروم مفرما، و به غیر خود
واگذارم مکن.

خدایا، مرا به که واگذار میکنی؟

////////////////////

إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ
عُرْبَتِي وَبَعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا
أَبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ
وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ.

به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد، یا به بیگانه تا با من با ترش رویی برخورد کند یا به آنان که خوارم می‌شمرند؟، و حال
اینکه تو خدای من، و زمامدار کار منی. من به تو شکایت میکنم، از غربتم، و دوری خانه آخرتم، و سبکی ام نزد کسیکه اختیار
کارم را به او دادی. خدایا غضبت را بر من فرود نیاور، اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی، از غیر تو باک ندارم، منزه
تو، جز اینکه عافیتت بر من گسترده تر است، از تو درخواست میکنم پروردگارا به نور جمالت، که زمین و آسمان ها به آن
روشن گشت، و تاریکی ها به آن برطرف شد،

////////////////////

وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الأَوْلِيَيْنِ وَالأَخْرِيْنَ أَنْ لَا تُثِمِّتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ العُتْبَى لَكَ العُتْبَى
حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ رَبُّ الأَلْبَدِ الْحَرَامِ وَالمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالبَيْتِ العَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ البِرَكَةَ
وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النُّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الجَزِيلَ
بِكَرَمِهِ يَا عَدْتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَآلِهِ أَبَانِي

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهَ الْمُتَنَجِّبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كَهَيِّعَصَ وَطِهَ وَيَسَّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید، که مرا بر خشمتم نمیرانی، و ناخشنودی ات را بر من فرود نیآوری، خشنودی حق توست، خشنودی حق توست، تا پیش از آن راضی شوی، معبودی جز تو نیست، پروردگار خانه محترم، و مشعر الحرام، و خانه کعبه که برکت را در آن نازل فرمودی، و آن را برای مردم ایمن ساختی، ای آن که با بردباری اش از گناهان بزرگ گذشت، ای آن که با فضلش نعمتها را کامل ساخت، ای آن که با کرمش گسترده و فراوان عطا کرد، ای توشه ام در سختی ها، ای همراه در تنهایی، ای فریادرسم در گرفتاری ها، ای سرپرستم در نعمتها، ای خدای من و خدای پرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب، و پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده اش و نازل کننده تورات و انجیل و زبور و قرآن و فروفرستنده کهیعص و طه و یس و قرآن حکیم

////////////////////

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِلِئْسَرٍ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةَ أَوْلِيَانَهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرِّونَ يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمُدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ،

تو پناهگاه منی زمانی که راه ها با همه وسعتشان در مانده ام کنند، و زمین با همه پهناوری اش بر من تنگ گیرد و اگر رحمت تو نبود، هر آینه من از هلاک شدگان بودم، و نادیده گیرنده لغزشم تویی، و اگر پرده پوشی ات بر من نبود، هر آینه من از رسواشدگان بودم، و تویی که مرا با پیروزی بر دشمنانم تأیید میکنی، و اگر یاری تو نبود هر آینه من از شکست خوردگان بودم، ای که وجودش را به بلندی و برتری اختصاص داده، در نتیجه اولیایش به عزت او عزیز میشوند، ای آن که پادشاهان در برابرش یوغ ذلت بر گردن هایشان گذاشته اند، در نتیجه از حملاتش ترسانند،

////////////////////

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَالذُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَا يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَا يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَا دَهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ وَمُمْسِكِ يَدِي إِبْرَاهِيمَ

خیانت چشمها را، و آنچه سینه ها پنهان میکنند میداند، و به پنهانی هایی که زمانها و روزگاران میآورد آگاهی دارد، ای آن که جز او نمیداند او چگونه است، ای آن که جز او نمیداند او چیست، ای آن که جز او او را نمی شناسد، ای آن که زمین را بر آب انباشت، و هوا را به آسمان بست، ای آن که او راست گرامیترین نام ها ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد، ای آماده کننده کاروان برای نجات یوسف در سرزمین بیاب و گیاه، و خارج کننده اش از چاه، و قرار دهنده اش بر تخت پادشاهی پس از دوره بندگی ای برگرداننده یوسف به نزد یعقوب، پس از آنکه دو چشمش از اندوه نابینا شد، و دلش آکنده از غم بود، ای برطرف کننده بدحالی و گرفتاری از ایوب، ای گیرنده دستهای ابراهیم

////////////////////

عَنْ دُبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا يَا مَنْ
أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ لَ فَاُنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ
الْمُعْرِقِينَ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَيَّ مِنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ
اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ عَدُوا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ،

از بریدن سر فرزندش، پس از سن پیری، و به پایان آمدن عمرش ای که دعای زکریا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها و نگذاشت، ای که یونس را از دل ماهی به در آورد، ای که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد، و فرعون و لشگریانش را از غرق شدگان قرار داد ای که بادها را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد، ای که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نورزد، ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید، پس از سالیان طولانی که در انکار حق بودند، و در عین حال تنعم به نعمت او رزقش را میخورند،

////////////////////

وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيَّ يَا بَدِيَّ لَا نَدْلُكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا
حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي
وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَىٰ عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي
فِي كِبَرِي يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُحْصَىٰ وَنِعْمَتُهُ لَا تُجَازَىٰ يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ
بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأَمْتِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا
فَشَفَانِي،

و برای غیر او بندگی میکردند، با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند، و پیامبران را تکذیب کردند، ای خدا، ای خدا، ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست، ای جاودانگی که پایانی برایت نمیباشد، ای زنده وقتی که زنده ایی نبود، ای زنده کننده مردگان، ای مراقب بر هرکس به آنچه که انجام داده، ای که شکرم برای او اندک است ولی محروم نساخت، خطایم بزرگ شد، پس رسوایم نکرد، و مرا بر نافرمانیها دید، ولی در بین مردم رسوایم ننمود، ای که در خردسالی حفظ نمود، و در بزرگسالی رزقم داد، ای که عطاهايش نزد من شماره نشود، و نعمتهايش تلافی نگرده، ای که با من به خیر و احسان روبرو شد، و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم، ای که به ایمان هدایت نمود، پیش از آنکه سپاس نعمتهايش را بشناسم، ای که در بیماری خواندمش، پس شفایم داد،

////////////////////

وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَشْبِعَنِي وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي وَدَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَلَّمَنِي
وَغَائِبًا فَرَدَّنِي وَمُقَلًّا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَيِّبًا فَلَمْ يَسْتَبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَاكَ
الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي
وَنَصَرَنِي عَلَىٰ عَدُوِّي وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَامَتِكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ،

و در حال برهنه گی پوشاند مرا، و در حال گرسنگی سیرم کرد و در حال تشنگی سیراب نمود، و در حال خواری، عزتم بخشید، و در حال نادانی معرفتم بخشید، و در حال تنهایی افزون نمود، و در حال غربت، بازم گرداند، و در حال نداری، دارایم

کرد، و در یاریخواهی، یاریام فرمود، و در ثروتمندی محرومم نکرد، و از درخواست همه اینها باز ایستادم، پس او شروع به عنایت بر من نمود، حمد و سپاس تو راست، ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود، و عایم را اجابت نمود، و عییم را پوشاند، و گناهم را آمرزید، و مرا به خواسته ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند، اگر نعمتها و عطاها و بخشش های بارزشت را برشمارم هرگز نمیتوانم به شماره آرم، ای سرور من،

////////////////////

أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ
 أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتِ أَنْتَ
 الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي
 مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيْدَتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي
 شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ،

تویی که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که نیکی کردی، تویی که زیبا نمودی، تویی که افزون نمودی، تویی که کامل کردی، تویی که روزی دادی، تویی که موفق نمودی، تویی که عطا فرمودی، تویی که بینای نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که کفایت نمودی، تویی که راهنمایی فرمودی، تویی که حفظ کردی، تویی که پرده پوشی نمودی، تویی که آمرزیدی تویی که نادیده گرفتی، تویی که قدرت دادی، تویی که عزت بخشیدی، تویی که کمک کردی، تویی که مساعدت فرمودی، تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی، تویی که شفا بخشیدی، تویی که سلامت کامل دادی، تویی که گرمی داشتی،

////////////////////

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَלَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا ثُمَّ يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا
 الَّذِي أَسَأْتُ يَا الَّذِي أَخْطَأْتُ يَا الَّذِي هَمَمْتُ يَا الَّذِي جَهَلْتُ يَا الَّذِي غَفَلْتُ يَا الَّذِي سَهَوْتُ يَا الَّذِي
 اعْتَمَدْتُ يَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ يَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ يَا الَّذِي نَكَتْتُ يَا الَّذِي أَفْرَزْتُ يَا الَّذِي
 اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبُوؤُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَنِيُّ عِنْدَ
 طَاعَتِهِمُ وَالْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَالْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي إِلَهِي أَمْرَتِي فَعَصِيئَتُكَ
 وَنَهْيَتِي فَأَرْتَكِبُ نَهْيَكَ،

بزرگ و برتری، حمد و شکر همیشگی تو راست، سپس من معبودا اعتراف کننده به گناهانم هستم، پس مرا ببامرز، منم که بد کردم، منم که خطا کردم، منم که قصد گناه کردم، منم که نادانی نمودم، منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم، منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمد داشتم، منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم، منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم، منم که به نعمتت بر خود و پیش خود اعتراف کردم، و به گناهانم اقرار میکنم، پس مرا ببامر، ای آن که گناهان بندگان را به او زیانی نرساند، و او بینباز از طاعت آنان است، و توفیق دهنده کسی که از آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد، تو را سپاس ای معبود من و آقای من، و خدای من، فرمان دادی فرمانت نخواندم، نهیم نمودی، مرتکب نهیت شدم،

////////////////////

فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرٍّ آعَوْهُ لِي فَأَعْتَدْتُ وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْتُ فَبَأَيْ شَيْءٍ أَسْتَفْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ أَيْسَمِعِي أَمْ يَبْصُرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَا حُجَّةَ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي فَهَذَا أَنَا ذَا
يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي،

اکنون چنانم، که نه دارنده زمینه برانتم تا عذرخواهی کنم، و نه دارای قدرتم، تا یاری ستانم، ای مولای من با چه وسیله ای با تو روبرو شوم؟ ، آیا با گوشم، یا با دیده ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا این همه نعمت های تو نزد من نیست؟ و من به همه اینها تو را معصیت کردم، ای مولای من، تو را بر من حجت و راه است، ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند، از اینکه مرا از خود برانند، و از خویشان و برادران، از اینکه مرا سرزنش کنند، و از پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند، مولای من اگر اینان آگاه می شدند، بر آنچه تو بر آن از من میدانی، در این صورت مهلتم نمی دانند، و مرا تنها میگذارند، و از من می برینند، هم اینک ای خدای من در برابرت هستم، ای آقای من،

////////////////////

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرٍّ أَنَّهُ فَأَعْتَدْتُ وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْتُ وَلَا حُجَّةَ فَاحْتَجُّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَدَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَأَتَى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ وَعَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ ذِي شَكِّ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِنِ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنِ تَغْفِرْ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ،

فروتن و خوار، درمانده و کوچک، نه دارنده زمینه برانتم، تا عذرخواهی کنم، و نه نیروی که یاری بطلبم، و نه دلیلی که با آن احتجاج نمایم، و نه گوینده ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم، انکار گناه کجا؟ بر فرض اگر انکار میکردم، چه سود میداد، چگونه؟ و چسان این معنا ممکن شود، و حال آنکه همه اعضایم بر آنچه عمل کردم بر من گواهند به یقین دانستم بدون تردید. که تو از کارهای بزرگ من پرسنده ای، و تو حاکم عدالت پیشه ای هستی که در حکم و داوری ستم نمیکنی، و عدالت تو هلاک کننده من است، و من از همه عدالت تو گریزانم، معبودا اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهان من است پس از حجتی که بر من داری، و اگر از من درگذری، به سب بردباری و جود و کرم توست، معبودی جز تو نیست من از ستمکارانم،

////////////////////

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ،

معبودی جز تو نیست من از آمرزش خواهانم، معبودی جز تو نیست من از یکتاپرستانم، معبودی جز تو نیست من از هر اسندگام معبودی جز تو نیست، من از بیمناکانم، معبودی جز تو نیست من از امیدوارانم، معبودی جز تو نیست من از مشتاقانم، معبودی جز تو نیست من از «لا اله الا الله» گویانم، معبودی جز تو نیست من از درخواست کنندگانم، معبودی جز تو

نیست من از تسبیح کنندگانم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو، من از تکبیرگوینانم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو پروردگار من و پروردگار پدران نخستین من،

////////////////////

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِدُكْرِكَ مُوَجِّدًا وَإِفْرَارِي بِإِلَانِكَ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوحِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادِمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبِرَأْتِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضَّرِّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدْنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصَى الْأَوْكُ،

خدایا این است ثنای من بر تو برای تعظیم تو، و اخلاصم برای یاد تو. برای یکتاپرستی، و اقرارم به نعمت هایت، در شمارش آنان، اگرچه اعتراف دارم نتوانستم آنها را شماره کنم به خاطر کثرت و کمالش و نمایانی و پیشی جستنش تاکنون، آنچه همواره مرا با آن همراه آنها سرپرستی میکردی، از هنگامی که مرا آفریدی و پدید آوردی، از آغاز عمر، و همه آنچه بر من بخشیدی از: بی نیاز گرداندنم از تهیدستی، و برطرف کردن بدحالی و فراهم کردن اسباب راحتی و دفع دشواری و گشودن گره اندوه، و تندرستی در بدن، و سلامت در دین، اگر همه جهانیان از گذشتگان و آیندگان به اندازه ای که نعمتت را ذکر کنم یاری ام دهند، نه من قدرت ذکر آن را دارم نه آنها، مقدسی و برتری، از اینکه پروردگار کریم، بزرگ، مهربانی، عطاهایت به عدد نیابد،

////////////////////

وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتُكْشِفُ السُّوءَ وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُعْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْأَخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ،

به ثنایت نتوان رسید. نعمت هایت تلافی نگردد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نعمت هایت را بر ما تمام کن و به طاعتت خوشبختان فرما، منزّهی تو، معبودی جز تو نیست. خدایا بیچارگان را پاسخ میدهی، و بدی را برطرف میکنی، و به فریاد گرفتاران میرسی، و بیماران را درمان میکنی، و تهیدست را بی نیاز میگردانی، و شکست را جبران مینمایی، و به خردسالان رحم میکنی، و به بزرگسالان کمک میدهی، جز تو پشتیبانی نیست، و فوق تو قدرت مندی وجود ندارد، و تو برتر و بزرگی ای رهاکننده اسیر در بند، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای پناه هر اسنده پناه خواه، ای که برایت شریک و وزیر نیست،

////////////////////

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُولِيهَا وَالْأَيُّ تُجَدِّدُهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ حَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مِنْ دَعْوِي وَأَسْرَعُ مِنْ أَجَابِ وَأَكْرَمُ مِنْ عَفْوِي وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ سَأَلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعْوَتُكَ فَاجِبْتَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از بندگان را، از نعمتی که می بخشی، و عطاهایی که تجدید می نمایی، و بلایی که برمیگردانی و رنجی که برطرف میکنی، و دعایی که می شنوی، و عمل نیکی که می پذیری، و بدی که می پوشانی، همانا به هرچه خواهی مهربان و آگاهی، و بر هر چیز توانایی. خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که خوانده شود، و سریع ترین کسی که جواب دهد، و بزرگوارترین کسی که گذشت کند، و وسیع ترین کسی که عطا کند، و شنواترین کسی که سوال شود، ای مهربان دنیا و آخرت، و بخشنده دنیا و آخرت، همانند تو سوال شده ای نیست، و غیر تو آرزو شده ای وجود ندارد، خواندمت، پاسخ دادی، از تو درخواست کردم عطایم نمودی، و به سویت میل کردم، به من رحم فرمودی،

////////////////////

وَوَثِّقْ بِكَ فَنَجِّبْتَنِي وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهِنُنَا عَطَاكَ وَاکْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلَا لِأَنَّكَ ذَا كَرِيمٍ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرًا وَقَدَّرَ فَقْهَرَ وَعَصَى فَسْتَرَ وَاسْتَعْفَرَ فَعَفَّرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِبِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَجِلْمًا.

به تو اطمینان کردم، ناجم دادی، و به تو پناهنده شدم، کفایت نمودی، خدایا درود فرست بر محمد بنده و فرستاده ات و پیامبرت، و بر همگی اهل بیت پاک و پاکیزه اش، و نعمتهایت را بر ما تمام کن، و عطاهایت را بر ما گوارا گردان، و ما را نسبت به خود از سپاس گذاران، و در نعمت هایت از یادکنندگان ثبت فرما، آمین آمین ای پروردگار جهانیان، خدایا ای که مالک شد و توانست، و توانست و چیره شد، نافرمانی شد و پوشاند، از او آمرزش خواسته شد و آمرزید، ای هدف خواستاران مشتاق، و نهایت آرزوی امیدواران ای آن که در دانش بر هر چیز احاطه دارد، و در مهربانی و رحمت و بردباری، جویندگان گذشت از گناه را فرا میگیرد،

////////////////////

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَي الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَالْيُكِّ عَجَبَتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا،

خدایا در این شب به تو رو می آوریم، شبی که آن را شرافت و عظمت دادی به محمد پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده از خلقت، و امین وحیت، آن مژده دهنده و ترساننده، و چراغ نوربخش، آن که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی، و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آنچنان که محمد از جانب تو شایسته آن است، ای بزرگ، بر او بر همه خاندان نجیب و پاک و پاکیزه اش درود فرست، و ما را به گذشت از ما ببوشان، که صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است، خدایا در این شب برای ما قرار ده، از هر خیری نصیبی که میان بندگان تقسیم میکنی، و نوری که با آن هدایت می نمایی، و رحمتی که می گسترانی،

////////////////////

وَبَرَكَهٖ تُنْزِلُهَا وَعَافِيَهٗ تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اَقْلِبْنَا فِي هٰذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ
مَبْرُورِينَ غَافِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَاطِئِينَ وَلَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا تَجْعَلْنَا
مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَاطِئِينَ وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ يَا
اَجْوَدَ الْاَجْوَدِينَ وَاكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ اِلَيْكَ اَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ اَمِيْنَ قَاصِدِينَ فَاَعِنَا عَلٰى مَنَاسِكِنَا
وَاَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا اِلَيْكَ اَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذَلِكَ الْاِعْتِرَافِ مَوْسُوْمَةٌ اَللّٰهُمَّ فَاَعْظِنَا فِي
هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ ،

و برکتی که فرو میفرستی، و عافیتی که بر اندام حیات بندگان میپوشانی، و رزقی که می گستری، ای مهربان ترین مهربانان.
خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمتت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره مند بازگردان، و ما را از ناامیدان قرار مده، و از
رحمتت با دست خالی مگذار، و از آنچه از فضلت امیدواریم مبتلای به حرمان مکن، و از رحمتت محرومان منما، و از
افزونی آنچه از عطایات آرزو داریم ناامید مساز، و ناکام باز مگردان، و از درگاهت مران، ای بخشنده ترین بخشندگان، و کریم
ترین کریمان، یقین کنان به درگاهت رو نمودیم، و آهنگ کنان و قصدکنان به زیارت خانه ات آمده ایم، بر ادای مناسک حج
باریمان ده، و حجامان را کامل نما، و از ما درگذر و به ما سلامت کامل بده، چرا که دست های خود را به جانب تو دراز کرده
ایم، و آن دستها به خواری اعتراف علامت دار است. خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن،

////////////////////

وَاَكْفِنَا مَا اسْتَقْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدَلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ
اَفْضٰلٌ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيْمَ الْاَجْرِ وَكَرِيْمَ الدُّخْرِ وَدَوَامَ الْاَيْسْرِ
وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا اَجْمَعِيْنَ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِيْنَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَافَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و کفایت آنچه را از تو خواستین عهده دار باش، که ما را کفایت کننده ای جز تو نیست، و برای ما پروردگاری جز تو نمیباشد،
قانونت بر ما نافذ است، دانشت ما را فراگیر است، قضایات درباره ما عادلانه است، خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر
قرار بده. خدایا پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان، و گناهان همه ما را ببامرز، و
با هلاک شدگان هلاکمان مکن، و مهربانی و رحمتت را از ما باز مگردان، ای مهربان ترین مهربانان،

////////////////////

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هٰذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلْنَاكَ فَاعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَتَابَ اِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوْبِهِ
كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهٗ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ وَنَقِّنَا وَسِدِّدْنَا وَاَقْبَلْ تَصَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ مِنْ سِئْلِ وَيَا اَرْحَمَ مَنْ
اسْتَرْجَمَ يَا مَنْ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجُفُوْنِ وَلَا لَحْظُ الْعُيُوْنِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُوْنِ وَلَا مَا انْطَوَتْ
عَلَيْهِ مَضْمَرَاتُ الْقُلُوْبِ اِلَّا كُلُّ ذٰلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ جَلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُوْلُ الظَّالِمُوْنَ
عُلُوًّا كَبِيْرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ،

خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند، و تو به آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر
آنان افزودی و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی، و به سوی تو از همه گناهانشان بیزای جستند پس همه گناهانشان را
آمرزیدی ای دارای بزرگی و بزرگواری. خدایا ما را پاک کن، و به جانب راست و درستی توجه ده، و زاری ما را بپذیر، ای
بهترین کسیکه درخواست شد، و رحم کننده ترین کسیکه از او رحمت خواسته شد، ای آن که بر هم نهادن پلکها، و دقت نظر
چشمها بر او پوشیده نیست، و آنچه در نهان مستقر شده، و آنچه را پنهانی های قلوب در برگرفته از او مخفی نیست، آری همه

اینها را دانشت شماره کرده، و بردباریات فرا گرفته، تو منزّهی و برتری، از آنچه ستمگران درباره ات میگویند، پس برتری آسمان های هفتگانه و زمین ها و هرکه در آنهاست تو را تسبیح میگویند، و هیچ موجودی نیست مگر اینکه با سیاست تسبیح میگوید،

////////////////////

فَلَا الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعَلُو الْجَدِّي ا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ وَالْاَيَادِي الْجَسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ
الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدْنِي وَدِينِي وَ اَمِنْ خَوْفِي وَاعْتَقْ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَللّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْذَعْنِي وَادْرَعْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

پس تو را سپاس و بزرگواری و بلندی مقام، ای دارنده بزرگی و کرامت و فضل و نعمت، و عطاهای بزرگ، و تویی بخشنده کریم رؤوف و مهربان، خدیا از روزی عدالت بر من وسعت ده، و در تن دینم سلامت کامل بخش، و ترسم را امان ده، و وجودم را از آتش آزاد کن، خدایا بلایت را به جریمه گناهانم بر من قرار مده، و مرا به تدریج بر بدی هایم مواخذه مکن، و مرا در خیالات باظلم رها مساز، و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.

////////////////////

در این قسمت از دعا سر و دیده خود را به جانب آسمان برداشت، و از دیده های مبارکش مانند ریزش آب از دو مشک، اشک میریخت، و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

يَا اَسْمَعَ السَّمَاعِينَ يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ
السَّادَةِ اَلْمِيَامِينَ وَ اَسْأَلُكَ اَللّهُمَّ حَاجَتِي اَلَّتِي اِنْ اَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَاِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا
اَعْطَيْتَنِي اَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لِاِنَّكَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اَلْمُلْكُ وَ اَلْحَمْدُ وَ اَنْتَ عَلَيَّ
كُلِّشَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ .

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، و ای سریع ترین حسابسان، و ای مهربان ترین مهربانان، بر محمد و خاندان محمد آن سروران با میمنت درود فرست، و از تو درخواست میکنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، بیشک هرچه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند، و اگر قضای حاجتم را از من دریغ نمایی، آنچه را عطایم کنی سودی نبخشد، آزادی عهده ام را از آتش از تو درخواست میکنم، معبودی جز تو نیست، یگانه ای، برایت شریک نیست، فرمانروایی و سپاس خاص توست، و تو بر هر چیز توانایی، پروردگارا پروردگارا. پیوسته «یا رب» میگفت، و همه آنان که اطراف حضرت بودند به دعای حضرت گوش فرا دادند و به آمین گفتن اکتفا نمودند، در نتیجه صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد، تا آفتاب غروب کرد، سپس زادوتوشه خود را بار کرده، به سوی مشعر الحرام حرکت کردند.

////////////////////

مؤلف گوید: کفعمی دعای عرفه حضرت سید الشهداء علیه السلام را در کتاب (بلد الامین) تا این قسمت ذکر کرده، و علامه مجلسی در «زاد العماد» این دعای شریف را موافق روایت کفعمی نقل فرموده ولی سید ابن طاووس در کتاب اقبال، پس از «یا رب، یا رب، یا رب» این اضافه را آورده:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْأَجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوِّ آءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْبِيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ إِلَهِي مِنِّي مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِكَ.

خدایا، در عین توانگری تهیدستم، پس چگونه در تهیدستی تهیدست نباشم، خدایا در عین دانایی نادانم، پس چگونه در عین نادانی نادان نباشم. خدایا همانا اختلاف تدبیرت، و سرعت تغییر تقدیرانت، بندگان عارف به تو را، از اطمینان به بخشش و ناامیدی از تو در گرفتاری باز داشته است. خدایا از من است آنچه سزاوار پستی من است، و از تو است آنچه شایسته بزرگواری تو است.

////////////////////

إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي أَفْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنَ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَقَدْ تَكَلَّمْتَ لِي وَكَيْفَ أَضَامَ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أَخَيَّبَ وَأَنْتَ الْحَقِيُّ بِي هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْ كَيْفَ أُرْجِمُ بِمَقَالِي

خدایا تو خود را با لطف و مهربانی به من توصیف کرده ای پیش از پیدایش ناتوانی من، آیا آن دو را از من دریغ ورزی پس از پدید آمدن ناتوانی ام، خدایا اگر زیبایی هایی از من نمایان شود، به فضل تو است، و تو را بر من منت بسیار است، و اگر زشتی هایی از من ظاهر گردد، به عدل تو است و تو را بر من حجت کامل است. خدایا چگونه مرا و امینیهی در صورتی که عهده دار من شده ای؟ و چگونه مورد ستم واقع شوم و حال آنکه تو یار منی؟ یا چگونه ناامید گردم، درحالیکه نسبت به من سخت مهربانی اینک به نیازم به تو، متوسل به توام، و چگونه متوسل به تو شوم به آنچه که محال است به تو برسد، یا چگونه از حالم به تو شکایت کنم و حال آنکه بر تو پوشیده نیست؟ یا چگونه با گفتارم ترجمه حال نمایم،

////////////////////

وَهُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ وَمَا أَرَأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقْتَنِي كَرَمَكَ وَكُلَّمَا أَيْسَسَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْتَنِي مِنْكَ .

درحالیکه از تو برای تو واضح است؟ یا چگونه آرزوهایم را به عرصه نومییدی بری، در صورتیکه به آستان تو وارد گشته؟ یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی، درحالیکه احوال من استوار به تو است؟ خدایا چه اندازه به من لطف داری. با این نادانی فوق العاده من، و چه قدر به من مهربانی، با این عمل زشت من؟ خدایا چقدر به من نزدیکی، و من چقدر از تو دورم، و چه اندازه به من مهر میورزی پس چیست. آنچه مرا از تو در پرده میکند؟ خدایا از اختلاف آثار، و تغییرات احوال دانستم که خواسته ات از من این است که خود را در هر چیز به من بشناسانی تا در هیچ چیز نسبت به تو جاهل نباشم، خدایا هر زمان فرومایگی ام از سخن مرا بازداشت، کرم تو گویایم نمود، و هروقت اوصافم ناامیدم کرد، نعمت هایت به طعمم انداخت.

////////////////////

إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِيٍّ فَكَيْفَ لَا تُكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِيٍّ وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِيٍّ فَكَيْفَ لَا تُكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِيٍّ إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَا لِيذِي مَقَالٍ مَقَالًا وَلَا لِيذِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَدَيْتُهَا وَحَالَهُ شَبَدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ بَلْ أَقَالْتِي مِنْهَا فَضْلُكَ إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّتُهُ وَعَزْمًا إِلَهِي كَيْفَ أَعَزُّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعَزُّمُ وَأَنْتَ الْأَمْرُ.

خدایا کسیکه زیبایی هایش زشتی بوده، پس چگونه زشتی هایش زشتی نباشد، و کسیکه حقیقت گویی هایش ادعای خالی بوده، چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟ خدایا دستور نافذت، و مشیت چیره ات، برای صاحب سخن سخنی، و برای صاحب حال حالی نگذشته، خدایا چه بسیار طاعتی که بنا کردم، و چه بسیار حالتی که استوار نمودم. عدالتت اعتمادم را بر آنها ویران کرد، ولی فضل تو عذر مرا از آنها پذیراست. خدایا همانا میدانی هر چند طاعت از جانب من، به صورت کار جدی ادامه نداشته، ولی به صورت محبت و اراده ادامه داشته. خدایا چگونه تصمیم بگیرم و حال آنکه تو چیره ای؛ و چگونه تصمیم بگیرم درحالیکه تودستوردهنده ای،

////////////////////

إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونُ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تُكُونُ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا وَخَسِرْتَ صَفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا،

خدایا مردد شدن من در آثار موجب دوری دیدار است، پس مرا با وجودت گرد آور، به وسیله عبادتی که مرا به تو رساند، چگونه بر وجود تو استدلال شود، به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست، تا آنان غیر وسیله ظهور تو باشد؟! کی پنهان بوده ای، تا نیازمند به دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده ای، تا آثار واصل کننده به تو باشند؟ کور باد دیده ای که تو را بر آن دیده بان نبیند و زیان کار باد تجارت بنده ای که از محبتت برای او سهمی قرار نداده ای،

////////////////////

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٍ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا وَمَرْفُوعٍ الْهَمِّ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَهِي هَذَا نُلَى ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ وَأَقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمُخْزُونَ وَصَنَى بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ.

خدایا مرا به رجوع به آثار فرمان دادی، پس مرا به پوششی از انوار و هدایتی بصیرت جو به سوی خود بازگردان، تا از آنها به سویت بازگردم همانطور که از آنها به بارگاہت بار یافتم، با نگاهداری نهادم از نگاه به آنها و برگرفتن همتم از اعتماد بر آنها، همانا تو بر هر چیز توانایی. خدایا این خواری من است که در برابرت عیان است، و این حال من است که بر تو پوشیده نیست، از تو رسیدن به تو را میخواهم، و بر تو استدلال میکنم، پس به نورت مرا به وجودت راهنمایی کن، و در برابرت به صدق بندگی بر پا دار. خدایا از علم مخزونت به من بیاموز، و به پرده نگاهداریت حفظ کن.

////////////////////

إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَاسْئَلْكَ بِي مَسْئَلِكَ أَهْلِ الْجَذْبِ إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي اِمْعَنْ تَدْبِيرِي
وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَأَوْفِقْنِي عَلَى مَرَائِزِ اضْطِرَارِي إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَطَهِّرْنِي مِنْ
شَكِّي وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرُنِي وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكُنْ لِي وَآيَاكَ أَسْئَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَفِي
فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي .

خدایا مرا به حقایق اهل قرب محقق کن، و به راه و روش اهل جذب ببر، خدایا به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم، و به
اختیارت از اختیارم بی نیاز گردان، و مرا به مواضع بیچارگی ام آگاه کن، خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده، و از شک شرکم
پاک کن و پیش از آنکه وارد قبر شوم، از تو یاری میجویم، پس مرا یاری ده، و بر تو توکل میکنم، پس مرا وامگذار، و از تو
درخواست میکنم. پس ناامیدم مکن، و در فضل تو رغبت مینمایم، پس محرومم مگردان، و خود را به تو منسوب میکنم، پس
دورم مکن، و در آستانه تو می ایستم پس مرا،

////////////////////

إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي إِلَهِي أَنْتَ الْعَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ
النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَمْنِينِي وَإِنَّ الْهُوَى بِوَتَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي فَكُنْ
أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي وَأَعْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعِينِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي أَنْتَ الَّذِي أَشْرَفْتَ
الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَائِكَ حَتَّى لَمْ
يُحِبُّوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ
اسْتَبَاتَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي

خدایا خشنودی تو منزّه است از اینکه علتی از جانب تو داشته باشد، پس چگونه ممکن است برای آن علتی از ناحیه من بوده
باشد؟ خدایا تو بینبازی از اینکه نفعی از جانب خویش به حضرتت رسد، پس چگونه بی نیاز از من نباشی؟ خدایا قضا و قدر مرا
به آرزو انداخت، و هوای نفس مرا در بندهای شهوت اسیر کرد، پس تو یاور من باش تا پیروزم نمای و بینایم کنی، و به فضل
خود بی نیازم فرما، تا به وسیله تو از خواسته ام بی نیاز کردم، تویی که انوار را در قلوب دوستانت تاباندی، تا تو را شناختند و
یگانه ات دانستند، و تویی که بیگانگان را از قلوب عاشقانت راندی تا غیر تو را دوست نداشتند، و به غیر تو پناه نبردند، تو
مونس آنانی آنجا که عوالم آنان را به وحشت اندازد، تویی که آنان را هدایت نمودی، هر جا که نشانه هایی برای آنان آشکار شد،
کسیکه تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده،

////////////////////

فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مَتَحَوَّلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا
قَطَعْتَ الْأَحْسَانَ وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْأَمْتَانِ يَا مَنْ أَدَاقَ أَحْبَابَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤْ
انْسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَاسِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَعْفِرِينَ أَنْتَ الذَّاكِرُ
قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْأَحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ وَأَنْتَ
الْوَهَّابُ،

کسیکه تو را یافته، همانا محروم شد کسیکه به جای تو به دیگری راضی گشت، و زیانکار شد کسیکه از تو به دیگری روی آورد، چگونه به غیر تو امید بست، و حال آن که احسانت را بریده نساختی، و چگونه از غیر تو خواسته شود در صورتی که تو شیوه نعمت بخشی ات را تغییر نداده ای، ای که به عاشقانش شیرینی همدیم خود را چشاند، در نتیجه گویا نه در برابرش ایستادند، ای که اولیایش را جامه های هیبت پوشاند، پس آمرزش جویانه در مقابلش قرار گرفتند، تویی یاد کننده پیش از یادکنندگان، و تویی شروع کننده به احسان، پیش از توجّه بندگان، و تویی جودکننده به عطا، پیش از خواستن خوانندگان، و تویی بخشنده،

////////////////////

ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَفْرِضِينَ إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ وَاجْذِبْنِي بِمَتِّكَ حَتَّى أَقْبِلَ عَلَيْكَ
إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ
وَقَدْ أَوْقَعْتَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ
وَفِي الدِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي.

و سپس آنچه را که به ما بخشیدی از ما به قرض خواهی، خدایا مرا به رحمتت بخواه تا به تو رسم، و مرا به عطایت جذ کن تا به جانب تو رو کنم. خدایا امیدم از تو قطع نشود، گرچه نافرمانی ات کردم، چنان که ترسم از تو زایل نشود، گرچه اطاعتت نمودم، همانا جهانیان مرا به جانب تو رانده اند، و دانشم به کرمت مرا به آستانه تو انداخته. خدایا من چگونه ناامید شوم و حال آنکه تو آرزوی منی، یا چگونه خوار گردم در صورتیکه اعتمادم بر توست. خدایا چگونه عزّت خواهم، درحالی که در خواری ثابتم کرده ای، و چگونه عزّت نخواهم با آن که به خود نسبتم داده ای؟

////////////////////

إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا
إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهْلُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ
شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحْفَتٌ الْإِثَارَ بِالْأَثَارِ
وَمَحْوَتٌ الْإِغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا
مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالٍ بِهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْأَسْتَوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ
الْحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

خدایا چگونه نیازمند نباشم، و حال آن که مرا در نیازمندان نشانندی، یا چگونه نیازمند باشم در صورتی که تو به جودت بی نیازم کرده ای، و تویی که معبودی جز تو نیست، خود را به هرچیز شناساندی، پس چیزی جاهل به تو نیست، و تویی که خود را در هرچیز به من شناساندی، پس تو را در هرچیز نمایان دیدم، و تویی نمایان برای هرچیز، ای که به رحمانیتش چیره شد، در نتیجه عرش در ذاتش پنهان شد، آثار را با آثار نابود کردی، و اغیار را به احاطه کنندگان افلاک انوار محو نمودی، ای که در سراپرده های عرش پرده نشین از این شد که دیده ها او را دریابد، ای آن که به کمال زیبایی اش تجلی کرد، پس تحقق یافت عظمتش از روی استیلا و برتری چگونه پنهان شوی و حال آن که نمایانی، یا چگونه غایب شوی و حال آن که دیده بانی و حاضری، همانا تو بر هرچیز توانایی، و سپاس تنها از آن خداست، خدای یگانه.

////////////////////

